

دادستانی هرات به دنبال متخلفین انترنتی



مسوولان دادستانی هرات از پیگیری جدی متخلفین اینترنتی در این ولایت خبر می‌دهند. آنان می‌گویند که در این اواخر، در فضای مجازی اینترنت، عده‌ی با نام‌های جعلی به اشخاص گوناگون حمله نوشتاری برده و باعث انزجار مردم شده‌اند.

ماریا بشیر، رییس دادستانی هرات در یک کنفرانس خبری گفت: در این اواخر شمار زیادی از شکایت‌های مردمی مبنی بر اتهام زنی از سوی برخی از نام‌های جعلی در فیسبوک به شخصیت‌های ولایت هرات، به دادستانی ارجاع داده شده است. به گفته ی وی، دادستانی هرات پس از این، به طور جدی با عاملان این گونه رویدادها برخورد خواهد داشت و در این رابطه توصیه‌های لازم، به ارگان‌های امنیتی از جمله امنیت ملی داده شده است.

ادامه صفحه ۶ ...

کرزی ضمن انزجار از سیاست‌های امریکا در افغانستان:

در حال حاضر احساسات بر عقل و منطق چیره شده است

حامد کرزی در انتهای این مصاحبه در پاسخ به سوالی مبنی بر این که آیا جنگ در افغانستان ارزش داشت یا خیر گفت، در حال حاضر احساسات بر عقل و منطق چیره شده به همین دلیل باید پاسخ شما را طی دو یا سه سال دیگر بدهم. تصویر چهره خونین زنان و کودکان بی‌دفاع دایماً مقابل چشمانم است. نمی‌توانم آنها را فراموش کنم. جنگ دوازده ساله امریکایی‌ها در افغانستان من را خسته و عصبی کرده است.

ادامه صفحه ۶



فساد گسترده در زندان قندهار

کوهستانی: پسر خاله کرزی نیز از زندان قندهار فرار کرده بود

مشخص شده که این نامه جعلی بوده است. رحمت‌الله اطرافی رییس امنیت ولایت قندهار گفته بود، نامه‌ی به زندان فرستاده شده که در آن خواسته شده بود ۲۸ زندانی رها شوند. به گفته این مقام محلی، ۱۲ نفر از این ۲۸ زندانی دوره محکومیت خود را تکمیل نکرده بودند و نباید رها می‌شدند. اما حالا یک مقام ارشد دولتی که نخواست نامش فاش شود، گفته که این افراد با همکاری یکی از افسران مسوول در زندان ادامه صفحه ۶

احمدولی کرزی نزدش بوده، از دویی آوردند و زندانی کردند؛ اما او با دادن سه صد هزار دالر امریکایی به مسوولان زندان، موفق به فرار گردیده است؛ اما به دلیل قربتش با رییس‌جمهور کرزی این خبر مخفی باقی ماند. این درحالی است که در هفته جاری هم ۱۲ عضو گروه طالبان از زندان قندهار فرار کردند. پیش از این مقامات امنیتی گفته بودند که این افراد بر اساس نامه‌ی که از اداره امنیت ملی این ولایت به آنها رسیده بود، رها کردند؛ اما بعداً

به دنبال فرار شماری از زندانیان از زندان قندهار، یک آگاه سیاسی می‌گوید که پسر خاله حامد کرزی رییس‌جمهور کشور با دادن سه صد هزار دالر امریکایی رشوه ماه ثور سال جاری از زندان قندهار رها گردیده است. جاوید کوهستانی به روزنامه ماندگار گفت که در ماه ثور سال روان چهارده تن از زندانیان زندان قندهار موفق به فرار شدند که یکی از آنان به نام زمری، پسر خاله حامد کرزی بوده است. به گفته کوهستانی، این شخص را که پول‌های

در برگ‌ها

فرار با سند جعلی، چه گونه و چرا؟



موفقه‌های نوین ملت‌سازی در افغانستان



اسپار تاکوس از رمان تا فلم



نگرانی از فروپاشی بقایای بوداهای بامیان



رییس ستاد کل ارتش:

در رویداد کتر عناصر نفوذی و خاین با طالبان همدست شدند

کشور جان خود را از دست دادند، اظهار داشت که عاملان رویداد کتر بایستی به سختی مجازات شوند.

جنرال شیر محمد کریمی، رییس ستاد کل ارتش روز دوشنبه در مراسم تقدیر از فارغ‌التحصیلان مرکز آموزشی ارتش در کابل، اظهار داشت که عاملان حمله به پاسگاه ارتش افغانستان در ولایت کتر بایستی به جزای اعمال خود برسند.

کریمی، همچنین از دست‌داشتن چهار فرد نفوذی در رویداد کتر خبر داد و گفت که در حمله هفته گذشته به سربازان ارتش، عناصر خاین و نفوذی با طالبان همدست شدند.



رییس ستاد کل ارتش افغانستان با اشاره به رویداد اخیر در ولایت کتر که در آن ۲۱ سرباز ارتش

نگرانی افغانستان از احداث بند داسو در پاکستان



شورای امنیت ملی افغانستان نگرانی خود را از احداث بند برق داسو در بالای رودخانه کابل-اندوس در ایالت خیبرپختونخواه پاکستان اعلام کرد. شورای امنیت ملی افغانستان روز دوشنبه با انتشار اطلاعیه‌ی اعلام کرد که دولت پاکستان می‌خواهد یک بند در بالای رودخانه کابل-اندوس احداث کند که به ضرر افغانستان است. بر اساس این اطلاعیه، شورای امنیت ملی افغانستان به وزارت‌خانه‌های ...

ادامه صفحه ۶

ادامه صفحه ۶

فرار با سند جعلی، چه گونه و چرا؟



سخن ماندگار

خروش و خشم کرزی از برای چیست؟

کرزی صاحب بر ایالات متحده امریکا به شدت خشمگین است و این بار سلامش را به مردم امریکا و خشم و غضبش را به او باما تحویل داده است و این بازی بر سرنوشت مردم افغانستان است.

مردمی که آرزوی داشتن زعیم و رئیس جمهوری را داشتند که درد ملت را از خود دانسته و معادلات و تعاملاتش بر اساس منافع مردمی شکل بگیرد، در سیزده سال گذشته شاهد بوده اند که چنین نشد و رئیس جمهور کرزی هر وقت منافع ملی را برابر به منافع خودش معرفی کرده است.

آقای کرزی در سالهای پیش با توش و توان امریکاییها با دو رای در برابر یازده رای، در بن به قدرت رسید و بعداً با انتخاباتهای تقلبی به ریاستش ادامه داد. این مدت، حمایت از امریکا و امریکا گرایی، یکی از فرایض او بود؛ اما حالا هرچه به پایان ماموریتش نزدیک تر می شود، تندتر و شدیدتر در برابر امریکا قرار می گیرد و با آن کشور از سر ستیزه سخن می گوید. شکی نیست که اظهار نظرهای اخیر آقای کرزی در تعیین رابطه امریکا با حکومت آینده افغانستان تأثیر می گذارد و چنان پیداست که آقای کرزی نمی خواهد بعد از خودش حکومتی مورد توجه جامعه جهانی در افغانستان قایم شود.

وقتی آقای کرزی امریکا ستیز می شود، مردم می پرسند جناب کرزی مگر بر شانه های امریکاییها به کابل و به قدرت نرسید و آیا هر روز یک پای در کابل و یک پای در واشنگتن نمی گذاشت؛ کاخ سفید و ارگ بی رنگ ما مگر تنگ ترین رابطه را نداشتند؛ محافظان جناب کرزی در چند سال اول، امریکاییها نبوده اند؛ خلاصه سیاست عملی و اجراءات آقای کرزی در مطابقت با برنامه های امریکاییها در افغانستان و منطقه نبوده است که حالا و در پایان ماموریتش همه را به مبارزه می طلبد و چیزی باقی نمی ماند که اعلان کند سر از فردا در کنار ملا عمر به جهاد علیه امریکا در افغانستان می پردازد.

به هر صورت حوادثی که روزهای اخیر در رابطه میان ارگ و کاخ سفید رخ داده است، بدون شک ریشه در حقایقی جدا از وطن دوستی و بیدار شدن حس خیر خواهی و مردم دوستی جناب کرزی و تیم همراهش دارد.

اگر هرچه آقای کرزی این گونه خشمگین در برابر امریکا قرار بگیرد، مردم باور نخواهند کرد که کرزی به راستی امریکا ستیز شده و حالا چه بجا یا بیجا در برابر آن قدرت قرار گرفته است؛ زیرا رابطه کرزی با امریکا آن قدر نزدیک و در هم تنیده بوده است که باور این واقعیت که نیت کرزی از یک چنین تلخی کلام، خشم واقعی برخوردار است از عشق و محبت به وطن و مردم دوستی باشد، خیلی سخت و ناممکن به نظر می رسد.

پیداست که امریکاییها شرط های او را در انتخابات پیش رو تایید نکرده اند و فکر می کند که فشارهای بیشتر این چنینی بتواند امریکاییها را قانع کند تا از نامزد مورد نظر او در انتخابات حمایت کنند.

بنابراین واضح است که آقای کرزی حالا نمی تواند از این سیاست ستیز و تقابل چیزی به دست آورد؛ زیرا مردم عام می گویند که حالا کرزی که از قدرت کنار می شود می خواهد با این نشان دادن احساسات و ابرو کشیدن ها مردم را بفریبد و بر گرده آنان سوار شود.

از جانب دیگر اگر صحبت های آقای کرزی را دقیق بدانیم، شاید دوازده سال بی اعتمادی و همکاری با کسانی که هرگز منافع ملی و مردمی ما را مد نظر نداشته اند و مردم افغانستان برای آنها چیزی جز قربانیانی که باید از تل جنازه آنها گذشت تا امنیت و منافع غربیها را تأمین کرد، نبوده است، نمی تواند تأکید بر آن در پنج- شش هفته باقی مانده برای برگزاری انتخابات، برای توجیه یک حکومت داری بد و رشد فساد، جان یافتن تروریزم و... کافی باشد.

فرار گروه دوازده نفری طالبان از زندان قندهار با سندهای جعلی، یک بار دیگر شکاف های امنیتی کشور را در محراق توجه قرار داد.

این خبر به گونه روشن، نشان از نفوذ کم سابقه گروه های دهشت افکن در ساختارهای امنیتی دارد؛ ساختارهایی که باید چنان نفوذناپذیر باشند که هیچ فرد و گروهی نتواند در آنها رخنه کند. پرسش این جاست که این افراد چه گونه از زندان قندهار فرار کرده اند؟

بر اساس گفته های مقام های امنیتی ولایت قندهار، قرار بود که ۲۸ زندانی که معیاد حبس شان تکمیل شده بود، بر مبنای فرمان مقامات

کشور از زندان رها شوند؛ ولی ۱۲ تن از گروه طالبان، در همدستی با برخی افراد امنیتی زندان، در فهرست زندانیان رها شده قرار می گیرند و از زندان بیرون می شوند. به گفته مقام های محلی، به دنبال این حادثه، نیروهای امنیتی موفق به بازداشت دو تن از فراریان شده اند. در همین حال، گزارش شده که این افراد از گروه قاری منیب بوده اند که چندی پیش از زندان بگرام بر اساس حکم رئیس جمهوری رها شد.

این موضوع را هم نباید نادیده گرفت که این بار نخست نیست که طالبان موفق به فرار از زندان های کشور می شوند. هر بار هم که چنین رخدادهایی به وقوع می پیوندند، افرادی از درون ساختارهای امنیتی به عنوان همکاران گروه های فراری شناخته می شوند.

فرار دوازده طالب از زندان قندهار، با توجه به اوضاع حساس و نا به سامان کشور، چندان موضوع قابل توجهی بوده نمی تواند؛ اما نفس قضیه، بسیار با اهمیت است. چه گونه این نامه به زندان قندهار رسیده است؟ امضاکننده این نامه که در آن خواستار رهایی دوازده زندانی شده، کی بوده است؟ چرا مقام های زندان در تشخیص افراد ناکام بوده اند؟

این پرسشها بدون شک باید در برابر مقام های کشور قرار داده شوند و آنها هستند که مجبور اند به تمام پرسشها پاسخ بگویند.

یک روز افراد نفوذی باعث کشته شدن ۲۱ سرباز ارتش در کمر می شوند، روز دیگر فردی به نام نماینده طالبان به ارگ

ریاست جمهوری میرسد و با آقای کرزی دیدار می کند، در حالی که بعداً مشخص می شود که این فرد هیچ کاره بوده است. روز دیگر، فاجعه ای دیگر رقم می خورد و به وسیله یک انتحارکننده نفوذی، رهبر جهاد و مقاومت کشور به شهادت میرسد. روز دیگر رئیس پیشین امنیت ملی کشور شکار حادثه ای می شود که بازهم از نفوذ گروه های هراس افکن در ساختارهای امنیتی خبر میدهد. این حوادث وقتی در کنار هم قرار گیرند، آنگاه است که ما می بینیم که با ساختاری در هم شکسته، پوشالی و شکننده به نام ساختار امنیتی روبه رو هستیم.

آقا کرزی در حالی برای گروه های دهشت افکن دل می سوزاند که این گروهها هر روز با خشونت و بی رحمی، باعث مرگ و فاجعه در افغانستان می شوند. سیاست ضعف و تضعیف ارگ باعث شده که دهشت افکنان به زنده گی و فعالیت های انسان ستیزانه خود ادامه دهند.

از سالها به این سو گفته میشود که شکاف های امنیتی باید جدی گرفته شوند، ساختارهای امنیتی باید مورد بازنگری قرار گیرند و تمهیداتی در نظر گرفته شود که از رخنه گروه های دهشت افکن در ساختارهای امنیتی جلوگیری کند. افغانستان در سال روان میلادی با رویدادهای مهمی مواجه است؛ نیروهای بین المللی در حال ترک کشور اند، و انتخابات سال ۱۳۹۳ نیز در پیش است. اینها چالش های بزرگی در برابر کشور می توانند باشند؛ چالش هایی که اگر به دقت

مورد توجه قرار نگیرند، بدون شک افغانستان را به لبه پرتگاه می رسانند.

موضوع دیگری که در این رابطه حایز اهمیت است، بی تفاوتی مقام های کشور در برابر موجی از اعتراض های مردمی نسبت به سیاست های ضعیف و تضرع آمیز آن است. همین حالا در تمام مناطق افغانستان، نسبت به آنچه که در کمر واقع شد، موجی از اعتراض های مردمی سر بلند کرده است، ولی کمتر دیده شده که مقام های کشور و به ویژه رئیس جمهوری، به خواست های برحق مردم توجه نشان داده باشد. از روزها به این سو بکتاش سیاوش نماینده مردم در پارلمان، نسبت به بی تفاوتی مقامها نسبت به زنده گی و آینده سربازان کشور تحصن کرده است، ولی یک بار هم به صدای این نماینده معترض کسی گوش فرا نداده است. اگر گوش می دادند، این صدا بوده، گوش مردمی بوده که همروزه قربانی اهداف دهشت افکنان می شوند.

فرار دوازده زندانی از زندان قندهار بدون شک ریشه در مشکلات عمیق ساختارهای امنیتی کشور دارد. این واقعه را باید جدی گرفت و نسبت به عاملان آن برخورد جدی باید داشت. من یک پرسش بسیار ساده از رئیس جمهوری کشور دارم؛ رئیس جمهوری بی که طبل دوستی با طالبان را به صدا درآورده است: اگر واقعه ای مثل واقعه کتر و یا زندان قندهار به وقوع می پیوندد، فوری ترین اقدامی که در برابر آن باید انجام شود چیست؟

اگر واقعه بیبانه و قانون مدارانه باشد، به مسأله برخورد شود، این است که باید وظایف مقام های درجه یک ساختارهای امنیتی به حالت تعلیق درآید و بازپرسی از آنها آغاز شود. اما آیا آقای کرزی چنین برخوردی با مسأله داشته است؟! آقای کرزی مثل همیشه کمیسیون را توظیف کرده تا چندو چون قضیه را مورد بررسی قرار دهد. اما در افغانستان کمیسیونها همواره ساخته می شوند ولی نتایج آنها را کسی نمی بیند. آقای کرزی مثل این است که روی یخ می نویسد و در آفتاب می گذارد. با چنین روش هایی نه تنها جلو افراط گرایی و خشونت در کشور گرفته نمی شود، بل خشونت ابعاد تازه و تازه تر می یابد. فرار دوازده زندانی، امر ساده و پیش پا افتاده ای نیست که به ساده گی از کنار آن گذشت. این مسأله با تمام جوانب آن، باید بررسی شود و نتایج آن در اختیار مردم قرار گیرد. ما باید بپذیریم که با چنین وضعیتی نمی توانیم بر مشکلات امنیتی خود فایق شویم. دولت باید سیاست طالب پروری را کنار بگذارد و حداقل با جان و مال مردم اینگونه با بی تفاوتی برخورد نکند.

است که باید وظایف مقام های درجه یک ساختارهای امنیتی به حالت تعلیق درآید و بازپرسی از آنها آغاز شود. اما آیا آقای کرزی چنین برخوردی با مسأله داشته است؟! آقای کرزی مثل همیشه کمیسیون را توظیف کرده تا چندو چون قضیه را مورد بررسی قرار دهد. اما در افغانستان کمیسیونها همواره ساخته می شوند ولی نتایج آنها را کسی نمی بیند. آقای کرزی مثل این است که روی یخ می نویسد و در آفتاب می گذارد. با چنین روش هایی نه تنها جلو افراط گرایی و خشونت در کشور گرفته نمی شود، بل خشونت ابعاد تازه و تازه تر می یابد.

فرار دوازده زندانی، امر ساده و پیش پا افتاده ای نیست که به ساده گی از کنار آن گذشت. این مسأله با تمام جوانب آن، باید بررسی شود و نتایج آن در اختیار مردم قرار گیرد. ما باید بپذیریم که با چنین وضعیتی نمی توانیم بر مشکلات امنیتی خود فایق شویم. دولت باید سیاست طالب پروری را کنار بگذارد و حداقل با جان و مال مردم اینگونه با بی تفاوتی برخورد نکند.

فرار دوازده زندانی، تنها یک واقعه کوچک نیست. این دوازده نفر می توانند دوباره به مواضع پیشین خود برگردند و به جنگ با نیروهای امنیتی ادامه دهند.

اکنون، زنگها به صدا درآمده اند ولی نه برای آقای کرزی که این روزها دغدغه های دیگری دارد!

اکنون، زنگها به صدا درآمده اند ولی نه برای آقای کرزی که این روزها دغدغه های دیگری دارد!

دیده بان حقوق بشر:

آزمایش موشکی تازه کره شمالی اوباما به موضوع حقوق بشر در عربستان رسیده گی کند

وزارت دفاع کره جنوبی می گوید که کره شمالی دو آزمایش موشکی تازه انجام داده است. بنا بر گزارش ها، این موشک ها کوتاه برد بوده اند و آزمایش آن ها در سواحل شرقی کره شمالی انجام شده است. این اقدام هم زمان با برگزاری مانور نظامی مشترک نیروها و کره جنوبی و آمریکا انجام شده است که با واکنش شدید کره شمالی مواجه بوده است.



این اقدام هم زمان با برگزاری مانور نظامی مشترک نیروها و کره جنوبی و آمریکا انجام شده است که با واکنش شدید کره شمالی مواجه بوده است.

پیونگ یانگ خواسته است که به «اقدامات تحریک آمیزش» سرکوبگری و حملات کره شمالی به طور مرتب بی رحمانه چنین موشک هایی را با هدف نبر و های توسعه توانایی های جنگی اش امنیتی علیه آزمایش می کند اما زمان بندی فعالان و این آزمایش ها گاهی سبب تنش مخالفان بوده است. شدید در منطقه می شود.



آن ها را ممنوع السفر کرده و تهدید به تعقیب و بازجویی می کنند و برخی مخالفان را به اقدامی از جمله «کودتا علیه مسئولان نظام» یا تلاش برای

بدنام کردن مسئولان ریاض متهم می کنند. مسوولان دیده بان حقوق بشر در نامه خود به اوباما تاکید کردند که فشارهای داخلی در عربستان همچنان رو به فزونی است و هیچ گونه اصلاحات اجتماعی در این کشور صورت نمی گیرد. در این پیام همچنین تاکید شده که اوباما باید از سفر خود به عربستان برای تحقق اصلاحات واقعی در این کشور بهره بگیرد و در مسائل حقوق بشر مداخله ای متمر ثمر داشته باشد.

دیده بان حقوق بشر همچنین از اوباما خواست تا در راستای همکاری های استراتژیک میان آمریکا و عربستان در سفر خود به این کشور از ریاض بخواهد تا به سرکوب فعالان سیاسی و مخالفان دولت پایان ملایم تری در روابط خود با دهد. سئول نشان داده است و حتی به گفته مسوولان دیده بان حقوق بشر برجسته ترین مدافعان حقوق بشر عربستان به صورت ناغادانه محاکمه شده اند. همچنین مقامات عربستانی همواره برای سرکوب مخالفان و فعالان وارد عمل شده،

اردوغان از فتح الله گولن خواست از جنجال آفرینی دست بردارد

نخست وزیر ترکیه در جریان سخنرانی خود به شدت از فتح الله گولن انتقاد کرده و از او خواست تا علاوه بر توقف جنجال آفرینی، به کشورش بازگردد.



ترکیه خطاب به فتح الله گولن، متفکر اسلامی مخالف دولت اظهار داشت: اگر انسانی صادق و درستکار هستی، دست از ایجاد آشوب در کشورت بردار و به وطنت بازگرد.

وی همچنین با اشاره به سرمایه گذاری گولن در تاسیس مدارس و مراکز آموزشی در ترکیه گفت: برخی افراد خالصانه ثروت، زمین و توانایی خود را در این زمینه دادند. من هم گولن را باور داشتم.

اردوغان علاوه بر متهم کردن گولن به حمایت از حزب اپوزیسیون مردم جمهوری خواه، تصریح کرد که دولت ترکیه به «تبهکارهایی» که آن را تهدید می کنند، تسلیم نخواهد شد. وی همچنین با اشاره به مکالمات افشا شده خود گفت: حزب عدالت و توسعه با حمایت ملت به قدرت رسیده است و نه با چند مکالمه ضبط شده.

مداخله را فراموش کنید، پوتین برنده است

دوم، اگر روسیه اوکراین را ملزم به پرداخت بهای واقعی گاز کند، با این کار این کشور منززل محکوم به ورشکستگی اقتصادی می شود. توافق لغو شده روسیه- اوکراین به کی یف در خصوص بهای گاز روسیه ۳۰ درصد تخفیف داده بود. روسیه با قطع این پاداش با خونسردی کامل می تواند به کی یف و دیگر کشورهای جهان یادآوری کند که در اصل قدرت اقتصادی محلی کیست؟ ادعای نخست وزیر کنونی اوکراین مبنی بر اینکه ۷۰ میلیارد دلار

در سه سال اخیر از سیستم مالی اوکراین برداشت شده، نشان می دهد که وضعیت اقتصادی این کشور در حال حاضر بسیار آشفته و افتضاح است. بخش عظیمی از این مساله یک فساد تمام عیار است که باعث می شود اوکراین در دو سال آتی تنها برای اجتناب از ورشکستگی به مبلغ حیرت آور ۳۵ میلیارد دلار نیازمند باشد.

سوم، پوتین می تواند بر روی تاخیر ارسال یا مبلغ کم کمک مالی غرب حساب کند. بسیار محتمل است که این کمک کلان تا قبل از انتخابات مه ۲۰۱۴ میلادی به دست اوکراین نرسد. در این صورت کی یف چگونه می تواند چند ماه آتی را سپری کند؟ در برخی از این موارد در این راستا، برخی افراد در اروپا مطمئنا به یاد خواهند آورد که هنوز بحران درونی خودشان را حل نکرده اند و یونان، ایتالیا، اسپانیا، پرتغال و قبرس (و شاید حتی فرانسه) دچار مشکلات مالی هستند. آیا حالا زمان مناسبی است برای خطر کردن به خاطر کشوری که هرگز قادر نبوده خود را از نظر اقتصادی به عنوان یک کشور



قابل رشد و خودکفا ثابت کند؟ چهارم، حتی اگر این کمک مالی کلان برای اوکراین اختصاص یابد، مذاکرات بسیاری در خصوص این کمک مالی از سوی صندوق بین المللی پول انجام می شود. با در نظر گرفتن سوابق بد اوکراین در مسایل اجرای قانون، این کشور خواستار ریاضت به عنوان یک پیش شرط برای هرگونه توافق خواهد بود. در عوض چنین ریاضتی باعث به وجود آمدن یک عدم محبوبیت گسترده نسبت به دولت می شود که جام زهر آگین صندوق بین المللی پول را می پذیرد (همانطور که ما در مورد اروپا دیدیم تاکید بر اصلاحات ساختاری جامع و با اهمیت درباره ریاضت بهتر عمل می کند)؛ اقدامی که باعث بی اعتبار کردن دولت جدید شکننده و به طور کلی غرب می شود.

فساد رایج و اقتصاد روسیه، این کشور پس از این اشتباه کاملا به درآمد نفت و گاز طبیعی اش وابسته خواهد بود. برای پوتین بهتر است که کاری انجام ندهد و اجازه دهد که اوکراین در حال تقلا متوجه شود که به شدت به کمک و حمایت روسیه محتاج است. اوکراین ضعیف اما متحد که یادآور غرور غرب است و هنوز صورت حساب های خود را به سرمایه گذاران روسی پرداخت می کند و اجازه می دهد تا انتقال خط لوله های گازی از کشورش

عبور کند، از هر نظر مناسب پوتین است. برای پوتین بهتر است که کاری انجام ندهد و اجازه دهد که اوکراین در حال تقلا متوجه شود که به شدت به کمک و حمایت روسیه محتاج است. اوکراین ضعیف اما متحد که یادآور غرور غرب است و هنوز صورت حساب های خود را به سرمایه گذاران روسی پرداخت می کند و اجازه می دهد تا انتقال خط لوله های گازی از کشورش عبور کند، از هر نظر مناسب پوتین است پوتین تمامی وسایل لازم را دارد. اول، جدایی طلبان ترغیب شده در شرق و به ویژه جنوب اوکراین که پرچم روسیه را بر فراز پارلمان منطقه خودمختار کریمه به اهتزاز درآوردند، یک نمونه عالی محسوب می شوند. آنها خواستار چنین درجه ای از خودمختاری هستند که دولت مرکزی کی یف به ندرت به آن عمل می کند.

جان هالسمن، سیتی ای.ام. هم زمان با سقوط ارزش ارز اوکراین، اعتراضات در منطقه خودمختار کریمه در گرفته و روسیه که در مجاورت این کشور قرار دارد شروع به قدرت نمایی کرده است. افرادی که در غرب ادعای پیروزی در اوکراین را دارند باید داستان پیرهوس، پادشاه اپيروس را به یاد آورند. در ۲۷۹ قبل از میلاد مسیح پیرهوس، شاه اپيروس در نبرد با رومیان به پیروزی دست یافت اما تلفات سپاه او به اندازه ای بود که زمانی که به او تبریک فتح گفتند، پیرهوس شاه اپيروس گفت: برای اینکه یک باره نابود شویم فقط یک فتح دیگر لازم است. (از آن زمان به بعد اصطلاح پیروزی پیرهوسی یا پیروزی شکست فرجام مرسوم شد. در مثال های حقوقی، فردی که برای یک دعوای مالی وکیلی می گیرد که بسیار بیشتر از آنچه از پس محکمه به دست می آورد، برایش خرج می تراشد، پیروزی شکست فرجام عایدش می شود.) کشورهای عضو اتحادیه اروپا و ناتو که از نظر بلاغی خونسردی و کنترل خود را از دست داده اند، در حال حاضر دو گزینه وحشتناک پیش رو دارند. آنها یا باید لفاظی های خود را با یک سیل عظیم کمک های مالی، مبلغی که غرب نمی تواند آن را پیشنهاد دهد، تقویت کرده و مستقیما در چاه بحران اقتصادی اوکراین فرو روند و یا کنار ایستاده و با جهانی رو به رو شوند که دیگر اعتقادی به این مساله ندارد که غرب بتواند و یا قصد داشته باشد تا

کمک مالی اش را در اختیار جایی که نام می برد، قرار دهد. ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه جایی در داخل کرملین باید پیش خودش پوزخندی بزند؛ چرا که می تواند هم زمان احساسات و نیروهایش را کنترل کند و این پیروزی اصلی است که به زودی تحقق می یابد. اگر پوتین به اوکراین حمله کند، اشتباه کرده است. با این اشتباه او شکست استراتژیک را از پیروزی قطعی به دست می آورد. این مساله جهان را در برابر پوتین متحد می سازد. پوتین با این کار کمک های مالی و تعهدات بسیاری را برای اوکراین رقم می زند که در غیر این صورت هرگز فراهم نمی شد. چنین پیامدی از نظر سیاسی برای پوتین قابل تحمل نیست و بسیاری نیز نمی توانند این پیامد غیرقابل انکار را مبنی بر این که روسیه دیگر یکی از قدرت های بزرگ جهان نیست، تایید کنند و با در نظر گرفتن جمعیت شناسی،

مولفه‌های نوین ملت‌سازی در افغانستان

متن سخنرانی دکتر سردار محمد رحیمی در سمینار علمی - تحقیقی اجندای ملی



بخش دوم

وقتی در مورد چه‌گونه‌گی به وجود آمدن افغانستان بحث می‌کنیم، یکی از معروف‌ترین نظریه‌ها این است که افغانستان یک کشور حایل است که بر اثر رقابت دولت استعماری بریتانیا و دولت تزاری روسیه در قرن نوزدهم به وجود آمده است. در کشورهای جهان سوم در ابتدا بحث دولت‌سازی مقدم بر ملت‌سازی مطرح است. این‌ها در گام نخست سعی می‌کنند که ساختارهای سیاسی را بر اساس الگوهای غربی شکل دهند، یعنی ابتدا ظرف را می‌سازند و بعد هم می‌بینند که مظلوف این ظرف هنوز ساخته نشده است، زیرا در این جوامع، مجموعه‌یی از نژادها و مذاهب و زبان‌ها گرد هم آمده‌اند، بدون این‌که به خودآگاهی جمعی دست پیدا کنند.

بنابراین، کار دولت و نخبه‌گان سیاسی‌یی که در رأس دولت هستند، این است که این مجموعه‌ها را به عنوان یک ملت سازمان‌دهی کنند و این ملت بتواند در چهارچوب دولت، هم در داخل کشور و هم در بیرون، نقش ایفا کند. ببینید بحث من این نیست که توطیه‌های استعمارگران باعث شده که ما ملت نباشیم یا ما دولت ملی نداشته باشیم، بلکه می‌خواهم بگویم که یک نظریه این است که افغانستان بر اساس همان رقابت قدرت‌های بزرگ به وجود آمده و بحث دیگر هم این است که آمدن یک قوم و غلبه بر اقوام دیگر، باعث شکل‌گیری جغرافیایی به نام افغانستان شده است. البته نظریات دیگری هم وجود دارد.

مسئله این است که ما با کشوری مواجه هستیم که در آن دولت به عنوان یک مفهوم مدرن شکل نگرفته و ملتی هم که در این کشور وجود دارد، بر اساس خودآگاهی به وجود نیامده. بنابراین ما با توده‌های انسانی‌یی مواجه هستیم که در درون این جغرافیا تمرکز پیدا کرده‌اند و زنده‌گی می‌کنند بدون این‌که نسبت به هم خودآگاهی داشته باشند یا حتا احساس هم‌بسته‌گی. در نتیجه، ما در افغانستان با بحران هویت،

بحران مشروعیت و بحران مشارکت روبه‌رویم و بنابراین در بیرون هم نمی‌توانیم نمایشی از دولت ملی داشته باشیم. در نتیجه به عنوان دولتی ناکام و ضعیف یاد می‌شویم؛ زیرا ما هنوز دولت - ملت مدرن را در درون این جغرافیا شکل نداده‌ایم.

بعد از درگیری‌های درونی‌یی که به‌خاطر ضعف ساختارهای دولت ملی داشتیم، یا اصلاً این مفهوم شکل نگرفته و قبل از آن‌هم نظام سیاسی ما در قالب پادشاهی و سلطنتی بوده. وقتی که ما تجربه‌های نخستین دولت - ملت را در دوران مارکسیست‌ها داشته‌ایم، می‌بینیم که در این‌جا هم نقشی را که نیروهای سنتی و مذهبی دارند، عملاً با ناکامی مواجه می‌شود. یا تجربه‌های اولیه‌یی که در دوران امان‌الله خان برای شکل‌گیری نظام دولت - ملت داشتیم، با توجه به همان نقش فرهنگ سنتی ما با ناکامی مواجه می‌شویم.

بعد از نشست بن نیز نخبه‌گان سیاسی ما به توافقی در راستای ملت شدن نمی‌رسند و در عین حال، فرهنگ سیاسی ما هم رشد پیدا نمی‌کند تا بتوانیم ملت را تولید کنیم و بعد هم دولت ملی را شکل بدهیم. می‌بینیم که بعد از بن و بعد از سه - چهار دهه درگیری‌های داخلی، سرانجام جامعه جهانی در قالب اجلاس بن، نخبه‌گان سیاسی گروه‌های قومی را در قالب یک ساختار جدید، گرد هم می‌آورد تا زمینه شکل‌گیری دولت مدرن را در افغانستان به وجود بیاورد.

شکل‌گیری دولت بر اثر فشار بیرونی بر نخبه‌گان سیاسی، عملی است که ما آن را در نشست بن شاهد بودیم و دیدیم چه‌طور حکومت و نهادهای سیاسی و قانون اساسی شکل گرفتند. اما باید توجه داشته باشیم که این دولت مدرن، در عین حال ملت مدرن هم می‌خواهد. در این‌جا نه توده‌ها به خودآگاهی رسیده‌اند و نه نخبه‌گان هم گامی را در راستای ملت‌سازی برمی‌دارند. در نتیجه ما شاهد انواع بحران‌ها و کشیده‌گی‌ها در درون این دولت هستیم.

جامعه جهانی می‌خواست ابتدا تأسیسات و ساختارهای دولت مدرن را

در افغانستان به وجود بیاورد و بعد هم می‌خواست از طریق توافق نخبه‌گان، ملت را به وجود بیاورد. اگر نخبه‌گان سیاسی در قالب ساختار قدرت با هم توافق داشته باشند، ما می‌توانیم امیدوار باشیم که ملت هم در درون دولت شکل بگیرد. اما ما شاهد هستیم که نخبه‌گان سیاسی در مورد ساختار سیاسی، هر روز توافق‌شان کم‌رنگ‌تر می‌شود. این‌ها در حال برگشت به ساختارهای قومی و دینی و ساختارهای سنتی قدیمی‌شان هستند. به هر حال، پروسه ملت‌سازی در افغانستان فوق‌العاده مشکل دارد و بنیان‌هایش با خطر مواجه است.

حال پرسش این‌جاست که آیا تجارب تاریخی نخبه‌گان سیاسی افغانستان در طول بیش از ۳۰۰ سال باعث خواهد شد که آن‌ها به فرایند ملت‌سازی روی آورند، برای ختم چالش‌ها و بحران‌های طولانی‌مدت در افغانستان و نتایج ویرانگرشان؟... به نظر من، این حرف نیاز به تأمل دارد؛ یعنی نخبه‌گان سیاسی، باید خطرات ناشی از دور شدن و فروپاشی دولت را بیشتر از این هماهنگی موجود ببینند و در مسیر یکی شدن حرکت کنند، نه دوری و افتراق. وقتی ما نتوانیم یک ساختار دولت - ملت مدرن را در افغانستان بازنمایی کنیم، مجموعه‌یی از گروه‌ها در قالب افراطیت‌شان، مجموعه‌یی از گروه‌های قومی، گروه‌های نژادی و ... قدرت سیاسی را بازنمایی می‌کنند که نمایش آن‌ها را ما در ۱۱ سپتمبر و یا در زمان طالبان دیدیم. این نیروهای بنیادگرا، امنیت بین‌المللی را با خطر مواجه کردند و حادثه ۱۱ سپتمبر به‌وجود آمد. از این نظر، جامعه جهانی تلاش دارد که ساختار دولت را به عنوان ظرفی که می‌تواند افغانستانی‌ها را در درون خودش نگه دارد و ملت را شکل دهد، حفظ کند. این فرض مسلماً با فشار نظامی، سیاسی و مالی ممکن شده است، اما در ۲۰۱۴ که این فرض کمتر می‌شود، یعنی کمک‌های مالی و سیاسی و نظامی هم کمتر می‌شود، احتمال فروپاشی به‌وجود می‌آید. چرا؟

اصول علمی کاهش وزن

بخش دوم و پایانی

شنا و کاهش وزن:

اگر می‌خواهید که لاغر شوید یا از میزان کلسترول خون بکاهید یا مشکل شکر خون خود را کنترل کنید، انتخاب ورزش شنا شاید از هیچ بهتر باشد؛ اما بهترین روش هم نیست. گزارشی که به‌تازگی به وسیله دانشگاه کلرادو منتشر شده، بیان می‌کند که بر اساس مشاهدات، کسانی که دوره‌های منظم شنا را طی می‌کنند، به هیچ‌گونه بهبودی معناداری در کاهش قند خون، انسولین، کلسترول LDL، کلسترول کلی و کلسترول HDL خون‌شان دست نمی‌یابند.

این قضیه برای کاهش وزن نیز صادق است و در حقیقت تأثیر ورزش‌های آبی نظیر شنا، برعکس تأثیر ورزش‌های خشکی نظیر دویدن، تنیس و دوچرخه‌سواری است. هنگام انجام عملیات ورزشی در محیط خشکی، بدن به وسیله هوا احاطه شده و هوا به عنوان یک انتقال‌دهنده ضعیف گرما سبب می‌شود که دمای بدن شما تا ساعت‌ها پس از ورزش کردن، همچنان بالا بماند. بالا بودن دمای بدن، سبب افزایش میزان متابولیسم و در نتیجه مصرف بیشتر انرژی، کاهش وزن و میزان چربی خون می‌شود. در حقیقت به هنگام شنا کردن، بدن به وسیله آب احاطه شده و آب هم به عنوان یک هادی بسیار خوب برای گرما، سبب کاهش سریع دمای بدن می‌شود و این دقیقاً برعکس تأثیر ورزش‌های خشکی است.

میزان ورزش برای لاغر شدن:

بر اساس پژوهشی که در دانشگاه تگزاس انجام شده است، برای این‌که بتوان با ورزش کردن از وزن خود کاست، باید تمرینات ورزشی را به‌طور منظم پی‌گیر و بسیار زیاد انجام داد. در این پژوهش گروهی از مردان و زنان ۱۶ تا ۶۵ ساله سه بار در هفته و به مدت ۲۰ هفته به‌طور متوسط هر بار ۵۰ دقیقه بر روی دوچرخه‌های ثابت رکاب زدند. در این مدت، آن‌ها مقداری از وزن خود را از دست دادند که البته این مقدار به اندازه‌یی نبود که به آن‌ها کمک کند تا از یک فرد چاق به فردی لاغر تبدیل شوند. این امر شاید کمی سردرگم‌کننده باشد؛ اما باید دانست که ورزش تنها در صورتی می‌تواند از وزن بکاهد که در مدت زمان طولانی بسیار جدی، سخت و به کرات انجام پذیرد.

در گذشته، پزشکان مردم را تشویق می‌کردند تا سه بار در هفته و هر بار به مدت ۳۰ دقیقه ورزش کنند؛ اما در دهه اخیر، بسیاری از پژوهش‌گران، پزشکان را تشویق می‌کنند تا به‌جای توصیه به مردم به سه بار ورزش کردن سخت در هفته، آن‌ها را به فعالیت‌های منظم روزانه نظیر دویدن آهسته ترغیب کنند. این امر بدان علت است که پژوهش‌گران فکر می‌کنند مردم بیشتر ترجیح می‌دهند اوقات فراغت خود را با فعالیت‌های سبک بگذرانند تا این‌که فعالیت‌های سنگین ورزشی را انجام دهند. در حال حاضر، بسیاری از پزشکان فکر می‌کنند که این توصیه به‌ویژه برای افراد مسن، می‌تواند مفید باشد.



اسپار تاکوس از رمان تا فیلم

فتح الله بی نیاز

صاحب نظران در مجموع خوش ساخت تر از رمان از کار درآمد.

ابتدا قرار بود آنتونی مان - کارگردان کهنه کاری که بعدها با ساختن «ال سید» توان مندی اش را در ساختن فیلم های تاریخی به اثبات رساند - فیلم اسپار تاکوس را کارگردانی کند، اما کرک داگلاس و تا حدی ادوارد لویس، تهیه کننده فیلم، پس از شروع فیلم برداری، کارگردانی فیلم را به استانی کوبریک می سپارند که سی و دو ساله و حدود بیست و دو سال جوان تر از

کاپیتول را تحت تأثیر قرار می دهد؛ هر چند که بازی لارنس اولیور در نقش مارکوس کراسوس، دشمن سرسخت گراچوس، تماشاگر را مجذوب می کند. دیالوگ های رد و بدل شده بین این دو دشمن در سنای روم، از بهترین بخش های کار دالتون ترامبو است، هر چند به عقیده بعضی از منتقدان، می توانست بهتر از این هم باشد. پیتر یوستینف در نقش فلاویوس، صاحب مدرسه

هوارد فاست، نویسنده نوع دوست امریکایی که هم در زنده گی روزمره و هم در نوشته هایش، همراه و کنار مردم و به طور مشخص، مردم ستم دیده جهان و وطنش، قرار داشت، در ماه مارچ سال ۲۰۰۳ در سن ۸۲ سالگی از دنیا رفت. او نویسنده فرهیخته بی بود که در بسیاری از رشته ها، از فلسفه جهان باستان گرفته تا مسایل سیاسی روز، مطالعه می کرد و

از جمله کمونیست هایی بود که فهمید حکومت شوروی و اصولاً احزاب کمونیست، چه به لحاظ مقدرات تاریخی و چه از نظر مناسبات روزمره، نمی توانند بیان گر آمل و مدافع توده های وسیع میلیونی زحمت کش باشند.

متأسف و متأثر بود از این که چنین افرادی، به «سوسیالیسم طبیعی انسان ها و میل بشر به سعادت همه گانی» لطمه وارد می آورند و عمل کرد حکومت های چنین احزابی، به روی گردانی و حتا انزجار مردم از سوسیالیسم می انجامد. این جمله اش معروف بود که: «حزب کمونیست، آن چه را پاک است، پلید می کند و با آن که خود را تابع منطق می داند، در فرجام کار به دشمنی با منطق پرمی خیزد و با وجود آن که مدعی پیشرفت است، همواره خود و اعمالش به رکود و سکون منتهی می شوند.» او نیز مانند آرتور کوستلر و اینا تسیو

سیلونه و مانس اشپرر، ضمن انزجار از شیوه های ریاکارانه و سرکوب گرانه احزاب کمونیست و حکومت های سرمایه داری دولتی، دل بسته گی و وابسته گی «درونی اش» را به مردم عادی و بی ادعا نشان داد و تا پایان عمر، یک «انسان گرا» باقی ماند. متقابلاً جهانیان نیز استقبال ارزنده ای از آثار او کردند: اسپار تاکوس، تام پین، راه آزادی، سایلاس تیجرمن، ماجرای لولا گرک، مزدور، میراث، نسل دوم، صبح اپریل، شکست ناپذیر و دیگر آثارش به پیش از هشتاد زبان دنیا ترجمه شدند و جمع تیراژ آن ها از هشتاد میلیون جلد تجاوز کرد.

رمان اسپار تاکوس، معروف ترین اثرش که در سال ۱۹۵۱ انتشار یافت، یک رمان تاریخی «واقعی» است. طبق اسناد و مدارک تاریخی، همه شخصیت های اصلی اش، واقعی بوده اند؛ اما «داستانی کردن» این شخصیت ها و تنیدن کنش ها، تجربه ها و واقعه های مختلف در متن، حاصل کار فاست بوده است. او در پایان کتابش حتا از اشاره به زنده گی «وارینیا» همسر اسپار تاکوس، و ازدواجش با یک روستایی و هشت بار دیگر وضع حمل، خودداری نمی کند. رمان به لحاظ ساخت، به گونه ای نوشته شده است که اگر کسی کمترین اطلاعی از قیام برده گان به رهبری اسپار تاکوس در هفتاد و سه سال پیش از میلاد نداشته باشد و اسمی از کراسوس فرمانده، و گراچوس، سناتور روم نشیده باشد، آن را هم چون اثری پرکشش می خواند.

با این که رمان «اسپار تاکوس» به لحاظ ساختاری اثری است بسیار قوی؛ اما فلم آن، محصولی که برای کمپانی یونیورسال افتخار آفرید، جدا از موضوع روان شناختی جهان شمول تأثیر قوی تر «دیدن و شنیدن» نسبت به «خواندن»، به اعتقاد اکثر



استانی کوبریک در مورد «لباس» بازیگران هم حساسیت بیش از حدی نشان داد، طوری که والز و بیل تامس، یکی از بهترین کارهای خود را ارایه دادند و جایزه اسکار را بردند.

یکی از نقاط ضعف فلم نامه که اگر برطرف می شد، می توانست توانایی بیشتری از کوبریک به نمایش بگذارد، حذف بعضی از شخصیت های رمان و دیالوگ های مرتبط با آن هاست از سوی فلم نامه نویس است. این امر خصوصاً در مورد سیسرون، خطیب

کم نظیر و اندیشمند نکته سنج است که هیچ یک از شخصیت های فلم نمی توانند جای خالی او را خصوصاً در عرصه دیالوگ پر کنند - هر چند که فلم نامه نویس کسی را جایگزین او نکرده و در فلم، حرف های سیسرون را به کلی حذف کردند. با توجه به این که در فلم ژولیوس سزار ساخته جوزف ال. مانکیه ویتس در ۱۹۵۴، سیسرون فقط در یک صحنه آمده بود، جا داشت که مردم جهان نظریه های برداری را در اسپار تاکوس از زبان یک رومی فرهیخته و درست کار بشنوند تا این حقیقت مسلم تر شود که مقدرات تاریخی حاکم بر اراده، دانش، طینت و سلامت نفس افراد

است.

با تمام این ضعف ها که ارتباطی به کوبریک نداشت، یکی از معتبرترین فلم های تاریخ سینما ساخته شد. مردم جهان استقبال خوبی از این فلم کردند. البته چون نام هوارد فاست به این فلم گره می خورد، طبق معمول محافل هنری دولتی وابسته به حکومت شوروی و کشورهای تحت سلطه آن، و نیز روشن فکران هوادار این حکومت، یا سکوت اختیار کردند یا به عیب جویی از آن پرداختند، و با عناوینی مانند «رمانتیک کردن شورش توده ای» یا «تأکید بیش از حد بر فردیت» و... به آن تاختند، اما نتوانستند با اقبال عامه مردم - اعم از روشن فکر و غیر روشن فکر - مقابله کنند؛ به همان قسم که تمام نویسنده گان هوادار سرمایه داری دولتی شوروی، نتوانسته بودند زمانی در حد یکی از آثار فاکتور در تصویر آلام سیاه پوستان بنویسند، و نیز نتوانسته بودند یک رمان در حد کارهای امیل زولا از زنده گی محنت بار کارگران بنویسند (صرف نظر از این که با ناتورالیسم زولا موافق باشیم یا نباشیم)، هنرمندان حکومتی هم نتوانستند کاری در حد و اندازه های کوبریک ارایه دهند.

فروش چند میلیونی کتاب اسپار تاکوس و چندصد میلیونی فلم اسپار تاکوس و تحسین این دو اثر از سوی مردم عادی و روشن فکران جهان، نه تنها یک نویسنده مردمی و یک کارگردان خوش آتیه را به جهانیان شناساند، بلکه ثابت کرد که ارزش های هنر، مستقل از سیاست و ایدئولوژی است و یکی از جنبه های آرمان گرایی نوع بشر در همین استقلال جویی او از منابع قدرت است.

گلادیاتوری کاپوا و مردی سودجو و فرصت طلب، چنان بازی روانی بی ارایی می دهد که تماشاگر نمی تواند دوستش نداشته باشد. حتا وودی استراد، در نقش یک گلادیاتور سیاه پوست، بازی اعجاب انگیزی از خود نشان می دهد. لبخند محو و ناپیدای او، درست قبل از نبردش با اسپار تاکوس، هرگز از یاد تماشاگر نمی رود: گویی با آن لبخند ژوکنندوارش می خواست به اسپار تاکوس - و حتا تماشاگر بفهماند: «گیرم مرا در نبرد تن به تن کشتی، بعدش چی؟» بازی مقتدرانه ای که کوبریک از این هنرپیشه می گیرد، خیلی قوی تر از بازی درخشان او در فلم «مردی که لیبرتی والانس را کشت» به کارگردانی جان فورد است.

حتا تونی کریس - که اساساً یک ستاره محبوب بود تا هنرپیشه ای قدرت مند - و جان گاوین که در بیشتر فلم هایش تسلط چندانی بر بازی ندارد، این جا در نقش کوتاه سزار خوب ظاهر می شود و جان ایرلند در نقش دیوید یا داوود، یار نزدیک اسپار تاکوس، در حد و اندازه های «کلمانتین عزیزم» و «جدال در او. کی. کورال» حضوری به یاد ماندنی دارد.

صحنه هایی از فلم، مانند جواب برده های شکست خورده در پاسخ به پرسش «اسپار تاکوس کیست؟» در انتهای فلم، خشم اسپار تاکوس در لحظه پیش از قیام و گلاویز شدن با فرمانده مدرسه، خداحافظی وارینیا و گراچوس پیش از خودکشی گراچوس، شعرخوانی آنتونیو (تونی کریس) برای برده ها، در شبی آرام و بی دغدغه، نشان از قابلیت های کوبریک جوان دارند که از صحنه آرای های الکساندر لولیتس، اریک اربام، راسل گاسمن و جولیا هرون، بیشترین استفاده را برده است.

مان بود و در مقایسه با تجربه هجده ساله مان، فقط هفت سال تجربه کارگردانی داشت (البته حدود سه سال هم عملاً بی کار بود).

آینده نشان داد که یکی از نخبه ترین کارگردان های جهان، گزینش شده است. اما متأسفانه دالتون ترامبو، فلم نامه قوی و خوش ساختی، خصوصاً در عرصه دیالوگ ها، برای این رمان نوشت؛ با این وصف هنرپیشه ها، موسیقی و فلم برداری استادانه راسل متی و کلیفورد استین، فلم را در اوج نگه داشتند. الکس نورث، یکی از بهترین موسیقی های دوران فعالیت هنری اش را برای این فلم تنظیم کرد و به خاطر آن، جایزه اسکار را نصیب خود کرد.

شکوه و نرمش این موسیقی فقط در یک فلم دیگر از نورث شنیده می شود: کلتو پاترا. گرچه عظمت آهنگ فلم اسپار تاکوس در حد و اندازه های آهنگ فلم بن هور ساخته میکوس روزا نیست، اما در هماهنگی ملودی ها با کنش های شخصیت ها کم و کسر نداشت؛ ضمن آن که هماهنگی و خوش آوایی موسیقی فلم با فلم برداری، هم از نمای دور و هم از نمای نزدیک، بیان گر تلاش جدی راسل متی و همکاریش بوده است. جایزه اسکار به خاطر این فلم برداری، خصوصاً صحنه قیام برده ها در مدرسه گلادیاتوری کاپوا و نبرد نهایی در تاریخ سینما به یاد ماندنی است.

کرک داگلاس در نقش اسپار تاکوس، بی تردید بهترین بازی عمرش را ارایه می دهد. جین سیمونز، با آن چهره معصوم و نگاه هراسیده - در نقش وارینیا کنیزی که شبها در اختیار گلادیاتورها گذاشته می شود، انتخابی مناسب بوده است. بازی چارلز لافتون در نقش گراچوس، بازی کل بازیگران حاضر در عمارت



کرزی ضمن انزجار از سیاست‌های امریکا در افغانستان:

در حال حاضر احساسات بر عقل و منطق چیره شده است

رییس‌جمهوری افغانستان در مصاحبه‌ی با اعلام «انزجار شدید» خود نسبت به اقدامات دولت امریکا تاکید کرد که این جنگی که در افغانستان در جریان است، در راستای منافع کشورش نیست.

حامد کرزی، رییس‌جمهوری افغانستان در مصاحبه با روزنامه واشنگتن پست گفت: افغان‌ها در جنگی می‌میرند که متعلق به ما نیست.

وی گفت: این جنگی که ۱۲ سال است که ادامه دارد و طولانی‌ترین جنگ امریکا پس از حملات ۱۱ سپتامبر محسوب می‌شود، برای منافع امریکا و منافع غرب است. این اظهارات در شرایطی مطرح می‌شود که تنها چند ماه تا انتخابات ریاست جمهوری افغانستان زمان باقی است و کرزی از امضای معاهده امنیتی دوجانبه با امریکا که به واشنگتن اجازه می‌دهد نیروهای را در افغانستان پس از ۲۰۱۴ نگه دارد، خودداری می‌کند.

باراک اوباما، رییس‌جمهوری امریکا به پنتاگون دستور داده است تا برای اجرای «گزینه صفر» در افغانستان در صورت عدم امضای این توافقنامه، آماده شود.

رییس‌جمهوری افغانستان در این مصاحبه گفت: به نفع آنها (امریکا) است که این توافقنامه را با جانین من امضا کنند. وی بار دیگر تاکید کرد که ایالات متحده باید گفت‌وگوهای صلح با شبه‌نظامیان طالبان را از سر گرفته و پیش از امضای توافقنامه دوجانبه به حملات شبانه علیه غیرنظامیان افغان پایان دهد.

آقای کرزی همچنین نگرانی خود را از زخمی‌های این جنگ که در جریان عملیات‌های نظامی امریکا دچار

خسارت متحمل شده اند. «این ارقام در کناری تلفاتی که مردم افغانستان متحمل شده اند رقم اندکی است.» امریکایی‌ها حامد کرزی را رهبری متوهم توصیف می‌کنند. او کسی است که ماه‌ها از امضای توافقنامه امنیتی سر باز زد، توافقنامه‌یی که به امریکایی‌ها اجازه می‌داد نیروهای خود را در افغانستان نگاه دارند.

حامد کرزی در بخش دیگری از مصاحبه خود به انتخابات افغانستان اشاره کرد و گفت که برخلاف تصور عمومی او هیچگاه در آرای مردم دستکاری نخواهد کرد و به امانت آنها خیانت نمی‌کند. حامد کرزی در انتهای این مصاحبه در پاسخ به سوالی مبنی بر این که آیا جنگ در افغانستان ارزش داشت یا خیر گفت، در حال حاضر احساسات بر عقل و منطق چیره شده به همین دلیل باید پاسخ شما را طی دو یا سه سال دیگر بدهم. تصویر چهره خونین زنان و کودکان بی‌دفاع دایماً مقابل چشمانم است. نمی‌توانم آنها را فراموش کنم. جنگ دوازده ساله امریکایی‌ها در افغانستان من را خسته و عصبی کرده است.

افغانستان در آستانه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری است. این در حالی است که آینده سیاسی این کشور در هاله‌یی از ابهام قرار دارد. هنوز مشخص نیست این کشور بدون دریافت کمک‌های خارجی چگونه خواهد توانست هزینه‌های نیروهای نظامی خود را تأمین کند. هزینه‌ی بالغ بر ۴ میلیارد دلار که دولت افغانستان در سال ۲۰۱۳ تنها توانست ۱،۷ میلیارد دلار آن را تأمین کند.

کشور پاکستان را ملامت می‌کنند. از یک‌طرف علل اصلی همه ناامنی‌های کشور را پاکستان قلمداد می‌کنند، و از طرف دیگر زمانی که آن کشور پیشنهاد معقولی را به منظور قانون‌مندشدن روابط هر دو کشور مبنی به رسمیت شناختن مرز میان دو کشور مطرح می‌کند، باز همین‌ها سروصدای‌شان بلند می‌شود که ما در میان پاکستان و افغانستان مرز نمی‌خواهیم؛ زیرا مرزبندی میان این دو کشور باعث جداسازی اقوام و قبایل مردمان دو طرف سرحد می‌گردد. حالا خود قضاوت کنیم که در این جنگ کی‌ها ملامت واقعی استند؟ و اما پیامدهای این حمله در میان دو طرف:

امروز اگر این‌طرف بحث بر سر ماتم ملی است، ولی آن‌طرف در میان مهاجمین جشن پیروزی جریان دارد. این‌جا و این‌طرف بحث بر سر توزیع پول اعانه و همکاری با بازمانده‌گان کشته‌شده‌هاست، درحالی که آن‌طرف بحث بر سر تقسیم جوازی و پاداش برای افراد به‌اصطلاح قهرمان این معرکه است. این‌جا صدای قرائت آیات صبر و شکیبایی بلند است، ولی در آن‌جا صدای قرائت سوره فتح و نصرت الهی برای راه‌اندازی حملات بیشتر تروریستی. این‌جا روحیه سربازان رو به تضعیف می‌رود، در حالی که آن‌جا شاید به صداها تن افراد دیگر با ملاحظه این حمله موفقانه، به صفوف طالبان جذب شده باشند. این‌جا نیروهای نظامی و خصوصاً وارثین قربانیان، همدیگر را به شکیبایی دعوت می‌کنند، در حالی که در آن‌جا مهاجمین به‌خاطر تقویت هرچه بیشتر روحیه جنگی افرادشان، خنده مستانه سر می‌دهند. به این

حضور داشتند، اعلان نمود که حملات قوای هوایی نیروهای بین‌المللی، تحت هیچ شرایطی دیگر در خاک افغانستان قابل قبول نیست. او با اعلام این موضع‌گیری، حتی کوچک‌ترین استثنا را هم به اندازه سوراخ سوزن باقی نگذاشت و همه همکاری‌های خارجی‌ها را زیر سوال برد. از آن گذشته، بالاتر از هشت‌صدوپنجاه تن از زندانیان خطرناک مربوط طالبان را بدون هیچ توجیهی از زندان بگرام رها ساختند که طبعاً رهایی این نوع زندانیان، در راه‌اندازی عملیات‌هایی نظیر حمله به یک پاسگاه مرزی در کتر نیز می‌تواند تأثیرات خود را داشته باشد. به‌رغم این واقعیت‌ها، باز هم می‌بینیم که دولت افغانستان با چشم‌پارده‌گی، کشور همسایه را در این‌گونه حملات متهم می‌کند.

افغانستان به‌ویژه در موجودیت دولت کنونی، شاید یکی از بدترین همسایه‌های پاکستان باشد که این کشور همسایه‌گی‌اش را تحمل می‌کند. امروز مردم پاکستان نیز مانند شهروندان افغانستان در برابر سیاست‌های چندپهلوی و دیپلماسی یک‌تعداد افراد قبیله‌گرا گیر مانده و شدیداً رنج می‌برند و با تمام قوت تلاش می‌ورزند خود را از شر این نوع سیاست‌های ناهمگون نجات دهند. از یک‌طرف دولت‌مردان کشور، همکاری‌های رایگان کشورهای خارجی را در این نوع حملات رد می‌کنند و از طرف دیگر، زمانی که مغلوب دشمن می‌شوند، گناه آن را به دوش پاکستان می‌اندازند. از یک‌طرف رهبران دستگیرشده طالبان را به جان مردم بی‌دفاع و نیروهای نظامی افغانستان رها می‌سازند و از طرف دیگر، با دیده‌درایی

طراحان و مجریان روند...

آسیب‌پذیری‌های گوناگون چون ضعف استخباراتی، موجودیت شکاف‌های ملیتی، قومی و زبانی، فقدان تجربه و کارآموده‌گی و غیره کشته می‌شوند! و اما حادثه کنر:

به مجرد کشته شدن بیست‌ویک تن از سربازان نیروهای نظامی در یک حمله از قبل طراحی‌شده، دولت افغانستان بدون ارایه کوچک‌ترین دلیل موجه، همانند گذشته‌ها و طبق عادت، به همان روش‌های کهنه و افاده‌ناپذیر فرافکنی و انتساب متوسل شد و به‌خاطر کتمان معایب و نواقص داخلی خود، مستقیماً پاکستان را در این حمله مسوول دانست و این عمل را به ایشان نسبت داد.

مقامات دولت افغانستان حمله مذکور را نوعی عمل تلافی‌جویانه در مقابل کشته شدن بیست سرباز پاکستانی تعبیر نمودند که چندی پیش به‌وسیله طالبان پاکستانی در نزدیکی مرز افغانستان کشته شده بودند.

حالا بیا باید ببینیم که گناه پاکستان در این قضیه چیست؟

همه ما و شما شاهد عینی و تاریخی هستیم که یک گروه خاص به رهبری آقای کرزی، همواره در محافل سیاسی ملی و بین‌المللی، انگشت انتقاد را به سوی نیروهای خارجی دراز کرده و آن‌ها را از بابت همکاری با قوای مسلح افغانستان و هماهنگی قوای هوایی ایشان با ارتش ملی، شدیداً مورد انتقاد قرار می‌دهد. یک تن از اعضای این گروه به‌صراحت در برابر نماینده‌گان مردم در یکی از مجالس بزرگ که در آن‌جا سفیران کشورهای خارجی نیز

دادستانی هرات به ...

گفته شده که ریاست امنیت ملی هرات دارای امکانات پیشرفته‌یی برای شناسایی شخصیت‌های نامعلوم در فیسبوک است.

خانم بشیر همچنین یادآوری

فساد گسترده در زندان ...

قندهار، فرار کرده‌اند و خود این افسر نیز به همراه اعضای طالبان فرار کرده است.

جاوید کوهستانی می‌گوید، این ۱۲ تن از جمله اعضای مهم گروه طالبان هستند که سه تن آنان از قوماندان بسیار مهم گروه طالبان در قندهار، هلمند و ارزگان بوده اند.

او افزود، چون در زندان و محابس قندهار بسیار گسترده است، بنابراین ممکن است که این افراد در بدل دادن رشوه موفق به فرار شده باشند.

به باور کوهستانی، به دلیل این‌که متخلفین و مجرمین مجازات نشده اند، از این زندان تا کنون افراد بسیار خطرناک طالبان و حتا پاکستانی‌ها در بدل گرفتن پول رها شده اند.

کوهستانی هر چند رهایی این زندانی را چالشی سد راه انتخابات نمی‌داند؛ اما به این باور است که افراد و اشخاصی در تلاش اند که با پرداخت پول اعضای مهم گروه طالبان را از بند رها کنند تا زمینه را طوری فراهم سازند که انتخابات را با چالش مواجه سازند.

این آگاه نظامی تصریح کرد، شکی وجود ندارد که رهایی این زندانیان نیز به هدف مختل ساختن انتخابات انجام شده؛ اما نباید فراموش کرد که چنین اقداماتی نمی‌تواند سد راه برگزاری انتخابات گردد. پیش از این نیز شماری از زندانیان به صورت دست‌جمعی موفق به فرار از زندان قندهار شده بودند و یکبار هم گروه طالبان به این زندان حمله کرده و شماری از زندانیان را رها کردند.

ناجیه نوری

نگرانی افغانستان از ...

خارجی و مالیه کشور دستور داده است تا نگرانی دولت افغانستان را در این راستا به بانک جهانی انتقال دهند. در این اطلاعیه آمده است که دولت پاکستان طرح پیشنهادی را به بانک جهانی فرستاده و طی آن تصمیم دارد تا بند «داسو» را روی رودخانه کابل – اندوس در منطقه کوهستانی ایالت خیبر پختونخواه احداث کند.

بر اساس این منبع، بانک جهانی طرح این پروژه را جهت نظر خواهی به دولت افغانستان فرستاده است. شورای امنیت ملی افغانستان همچنین اعلام کرد، که تاکنون در مورد احداث این بند از سوی پاکستان، هیچ گونه موافقتی میان ۲ کشور صورت نگرفته است. بر اساس این اطلاعیه، مقام‌های افغانستان و پاکستان باید در این مورد بررسی‌های لازم و همه جانبه را انجام دهند.

شورای امنیت ملی افغانستان همچنین از بانک جهانی و موسسات بین‌المللی خواسته است تا از ادامه احداث این پروژه بدون موافقت کتبی دولت افغانستان خودداری کنند.

بر اساس گزارش‌ها، کار احداث این بند از سال ۲۰۱۴ میلادی آغاز شده و تا سال ۲۰۳۷ میلادی تکمیل خواهد شد.

این بند توانایی تولید بیش‌م‌از ۴ هزار و ۳۰۰ میگاوات برق را خواهد داشت و هزینه احداث آن نیز ۷ میلیارد دالر تخمین زده شده است.

رییس ستاد کل ...

هفته گذشته ۲۱ سرباز ارتش در حمله طالبان به پاسگاهی در ولایت کنر، جان خود را از دست دادند. این رویداد با واکنش‌های گسترده‌یی از سوی ساکنان کابل و شهروندان دیگر ولایت‌های افغانستان روبرو شد.

بسیاری از شهروندان کشور با راه‌اندازی راهپیمایی و سردادن شعارهایی مانند «سرباز سرزمینم! جان تو جان من»، «ارتش آزاده، ایستاده باش، ایستاده» و ... حمایت خود را از ارتش افغانستان اعلام کردند.

این تجمعات حمایتی از ارتش افغانستان، ضمن ابراز انزجار از گروه طالبان، از دولت افغانستان نیز خواستند تا سیاست سرکوب و تضعیف طالبان را روی دست گیرد.

این در حالی است که حامدکرزی، نیز با وقوع رویداد کنر، سفر رسمی خود به سریلانکا را به تأخیر انداخت و وزارت دفاع افغانستان نیز ۹ افسر ارتش را به دلیل غفلت و سهل‌انگاری در اجرای وظیفه، برکنار کرد.

حسین‌هایی بالای ۵ سال همراه با جریمه‌های نقدی را در بر خواهد داشت. این مقام در دادستانی هرات همچنین بیان کرد که بیشترین حملات نام‌های جعلی فیسبوک به نامزدان انتخابات

کرد که دادستانی هرات تاکنون چندین تن که از طریق فضای مجازی اینترنت دست به اتهام زنی‌های کاذب به مردم زده اند؛ شناسایی شده و با حکم دادگاه به زندان فرستاده است. به بیان وی، این گونه جرم‌ها،



نگرانی از فروپاشی بقایای بوداهای بامیان

چاپ ۲۰ عنوان کتاب جدید در ولایت غزنی

مورد غزنی استقبال می کنند، اما چاپ برخی از این کتاب‌ها را به نقد گرفته و می گویند که نواقص زیادی در چاپ برخی از آنها وجود دارد. به باور آنان این کار ضعف ریاست اطلاعات و فرهنگ را نشان می دهد.

اسدالله جلایزی، یکی از نویسندگان غزنی به این باور است که در کتاب شعر جوان غزنی نواقص زیادی دیده می شود. وی می گوید: «اصلاً به پختگی شعر توجهی صورت نگرفته، اکثر اشعار از شاعرانی است که تازه به سرودن شعر روی آورده اند، در

مسئولان ریاست اطلاعات و فرهنگ غزنی از نشر و چاپ ۲۰ عنوان کتاب در زمینه هویت تاریخی و داشته‌های فرهنگی این ولایت خبر می دهند. مقامات می گویند کتاب‌های زیادی از نویسندگان غزنی منتظر چاپ هستند، اما امکانات کافی وجود ندارد.

به گزارش دوپیچه وله، این کتاب‌ها با عنوان‌های مختلف به چاپ رسیده اند. تمام آثار و داشته‌های فرهنگی این ولایت در برخی از این کتاب‌ها به معرفی گرفته شده است. شماری از این کتاب‌ها در روز

کوچک به ارتفاع ۳۵ متر در سال ۲۰۰۱ میلادی پس از دو هفته تلاش از سوی طالبان منهدم شدند. طالبان در دوم ماه مارچ این سال کار تخریب این اثرهای ارزشمند تاریخی را آغاز کردند.

طالبان در ابتدا با شلیک راکت، توپ و بمب گذاری تلاش کردند این مجسمه های غول آسا را تخریب کنند؛ اما تلاش شان نتیجه نداد. سپس آنان با کارگزاری مقدار زیادی مواد منفجره (دینامیت) در این مجسمه ها و شلیک تانک توانستند آنها را فرو ریزند.

این عمل طالبان در آن زمان از سوی جامعه جهانی، مخصوصاً بودایی ها به شدت محکوم شد؛ کاری که در تاریخ سیاه حکمرانی آنان در افغانستان هیچ وقت فراموش نخواهد شد. رویدادی که بزرگترین فاجعه فرهنگی قرن محسوب می شود.

این گروه اسلامگرایان افراطی به خاطر آنچه خلاف شرع بودن این تندیس ها می خواندند، آن ها را منهدم کردند؛ اما چنانچه دانشمندان تاریخ می گویند: پس از آمدن اسلام به منطقه این تندیس ها هیچ گاهی مورد پرستش قرار نداشته و همیشه به عنوان آثار تاریخی مطرح بوده اند.

تلاش برای بازسازی پس از فروپاشی نظام طالبان در افغانستان گروه‌های باستان شناس زیادی به بامیان رفتند و برای شناسایی قطعات تخریب شده این آثار و بازسازی آنان تحقیق کردند.

گروهی از پژوهشگران علوم مثبت دانشگاه مونیخ آلمان نیز از آن جمله بودند. این گروه پس از تحقیقات پیوسته اعلام کردند که بازسازی بوداها امکان پذیر است.

پس از آن شورای بین‌المللی آثار باستانی «ایکوموس» همراه با گروهی از فعالان آلمانی برای بازسازی بوداها کارشان را آغاز کردند. جندی پیش «یونسکو»، سازمان علمی فرهنگی ملل متحد اعلام کرد که کار بازسازی بوداها از سوی آلمان با معیارهای این سازمان برابر نیست و باید متوقف شود. این سازمان همچنان گفته بود که برای بازسازی این تندیس ها هماهنگی های لازم صورت نگرفته است. اما باستان شناسان آلمانی و گروهی که برای بازسازی بودای کوچک مشغول اند این ادعا را رد می کنند.

کشورها و سازمان‌های فرهنگی زیادی برای بازسازی این بناها اعلام آمادگی کرده اند؛ اما اقدامات عملی انجام نداده اند. کشورهای جاپان و چین چندین بار برای بازسازی بوداها اعلام آمادگی کردند و اخیراً نیز هند گفته است آنان را بازسازی خواهد کرد.

هنوز مشخص نیست که بازسازی این مجسمه‌ها چقدر مصرف دارد، اما باید گفت بازسازی آثار تاریخی با مواد مناسب و معماری سابق شان کاری بسیار پر هزینه و زمان گیر است. حکومت افغانستان نه پول بازسازی این آبه ها را دارد و نه ظرفیت پیشبرد این کار را.

تاکنون چندین بار اعلام شده که در نتیجه تحقیقاتی که در اطراف بوداها صورت گرفته، بودای دیگری که گفته می‌شود خوابیده و بزرگتر از تندیس‌های تخریب شده است نیز کشف شده، اما جزئیات دقیقی در مورد آرایه نشده است.

این آثار فرهنگی در قرن‌های پنجم و ششم میلادی با خصوصیات منحصر به فرد ساخته شده بودند و بزرگترین بوداهای جهان بودند. جای خالی بوداها در ولایتی از افغانستان هنوز باقیست که مرکز تجارت هزاره اخیر بود؛ مکانی که فرهنگ های یونانی، ترکی، فارسی، هندی و چینی را با هم ادغام کرد.

تحقیقات می‌رساند که قدیمی ترین نوع رنگ روغنی که تاکنون در جهان کشف شده، در مغاره های بوداها مورد استفاده قرار گرفته است.

این که چه زمانی صلصال و شهمامه دوباره به پا خواهند خواست هنوز به درستی معلوم نیست و باید برای قیام مجدد آنها منتظر ماند.



بیشتر تخریب شوند. با در نظر داشت این که آثار تاریخی در بامیان از مجرایهای مختلف تحت تهدید قرار دارند؛ بنابراین ما تلاش هایی را در حد توان خود آغاز کردیم. اما با این هم امکان تخریب بیشتر این آبه ها زیاد است.

بوداهای بامیان دو سال پیش به همکاری دفتر یونسکو محکم کاری شده بودند، اما با وجود



آن هم سرازیر شدن آب از بالا تهدیدات جدی را متوجه این آثار تاریخی کرده است.

آقای احمد پور اضافه می کند: «متأسفانه ما در قسمت منظم ساختن آبروهای بیشتر ساحات بودجه خاصی در دسترس نداریم. یکی از علتهای تخریب بیشتر وضعیت جوی و ریزش برف و باران است. از سوی هم ساخت و ساز خانه‌های خود سر مشکل ساز شده است. در این زمینه هم تلاش زیاد کردیم، اما باز هم این موضوع یکی از نگرانی های شدید ما است.

آمر اطلاعات ریاست اطلاعات و فرهنگ بامیان می گوید با آنکه محافظان این ریاست تلاش می کنند این ساحات را نگهداری نمایند، اما همکاری لازم با آنان صورت نمی گیرد.

باشنده‌گان بامیان نیز از فروپاشی تدریجی آثار تاریخی این ولایت، مخصوصاً بقایا و جایگاه تندیس‌های بودا نگران هستند.

جاوید، یکی از باشنده‌گان بامیان می گوید: «من همیشه بوداها را از دور می دیدم. چندی پیش تصمیم گرفتم که از نزدیک جایگاه آنان را ببینم. وقتی داخل مغاره هایشان رفتم دیدم که وضعیت شان بسیار وخیم است.»

بی توجهی حکومت مردم بامیان حکومت مرکزی افغانستان را به بی توجهی به آثار باستانی این ولایت متهم می کنند و می گویند با آنکه این ولایت می تواند به مرکز گردشگری کشور تبدیل شود، اما برای این امر تلاش جدی از سوی مقامات مرکزی صورت نگرفته است.

فضل الهادی، یکی دیگر از باشنده‌گان بامیان می گوید: «تندیس‌های بودا نه تنها برای افغانستان، بلکه برای جهان ارزشمند بودند و هستند. اما من نمی دانم چرا برای حفاظت و بازسازی بقایای آنان تلاشی صورت نمی گیرد. باد، باران، برف، بی توجهی مردم محل و رفتار غیر مسئولانه کسانی که برای دیدن شان می آیند همه دست به دست هم داده و روز به روز این اثرهای تاریخی با ارزش را بیشتر تخریب می کنند. حکومت و جامعه جهانی به بامیان هیچ توجهی ندارند.»

صلصال تندیس بزرگ بودا به ارتفاع ۵۳ متر و شهمامه تندیس

برگزاری جشنواره نهایی غزنی ۲۰۱۳ به شرکت کننده‌گان توزیع شد.

شاخه‌های گل، تاجدار شرق، یک چمن تخیل، جلد دوم شعر جوان غزنی، جلد دوم غزنی در آئینه شعر و کتاب معرفی مزارات و بناهای تاریخی غزنی کتاب های اند که در یک سال از سوی ریاست اطلاعات و فرهنگ غزنی به چاپ رسیده اند. رییس اطلاعات و فرهنگ غزنی این کار را بزرگترین دست آورد فرهنگی در مدتی بسیار کم عنوان می کند.

بسم الله شریفی، رییس اطلاعات و فرهنگ غزنی می گوید چند عنوان کتاب دیگر نیز از سوی وزارت اطلاعات و فرهنگ در مورد غزنی به چاپ رسیده است. به گفته وی برخی از این کتاب ها به چهار زبان به شمول انگلیسی چاپ شده اند که برای گردشگران خارجی سهولت های زیادی را فراهم می کنند.

آقای شریفی می گوید: «فکر می‌کنم که در سطح افغانستان چنین کاری نشده است که یک اداره ولایتی با در دسترس نداشتن حتی یک افغانی، با کمک تاجران و فرهنگیان بتواند در یک سال به این مقدار کتاب را چاپ کند. خوشبختانه این دست آورد بزرگی است. ما از نظر فرهنگی خود را غنی می دانیم. امیدوارم این کارمان تقدیر شود.»

با این حال شماری از فرهنگیان و نویسندگان غزنی با آنکه از چاپ بیست عنوان کتاب در

قبل برگزاری جشنواره نهایی غزنی ۲۰۱۳ و ویژه کتاب های شعر جوان غزنی و غزنی در آئینه شعر دیده نمی شود. به نظر من این یک نقیصه بزرگ است.»

احمد ضیا مقداد، مسوول کتابخانه عامه معارف در غزنی می گوید در حال حاضر شمار زیادی از شاعران و نویسندگان آثاری را برای چاپ دارند، اما به علت نبود امکانات کافی و عدم همکاری وزارت اطلاعات و فرهنگ نمی توانند آثار آنان را چاپ و نشر کنند.

وی می‌افزاید: «با وصف این که مشکلات زیادی در عرصه چاپ کتاب داریم، اما چاپ همین بیست عنوان کتاب هم در غزنی گامی مثبت و ارزشمند در راستای فعالیت های فرهنگی می باشد.»

قبل برگزاری جشنواره نهایی غزنی ۲۰۱۳ و ویژه کارهای انجام شده برای آماده سازی غزنی از سوی ریاست اطلاعات و فرهنگ این ولایت به چاپ رسیده بودند.

در سال‌های اخیر شمار چاپخانه‌ها و انتشارات در افغانستان افزایش چشمگیری داشته است، اما با آن هم در راستای چاپ و نشر آثار نویسندگان کشور کار قابل ملاحظه‌یی صورت نگرفته است.

برگزاری جشنواره نهایی غزنی ۲۰۱۳ به شرکت کننده‌گان توزیع شد.

شاخه‌های گل، تاجدار شرق، یک چمن تخیل، جلد دوم شعر جوان غزنی، جلد دوم غزنی در آئینه شعر و کتاب معرفی مزارات و بناهای تاریخی غزنی کتاب های اند که در یک سال از سوی ریاست اطلاعات و فرهنگ غزنی به چاپ رسیده اند. رییس اطلاعات و فرهنگ غزنی این کار را بزرگترین دست آورد فرهنگی در مدتی بسیار کم عنوان می کند.

بسم الله شریفی، رییس اطلاعات و فرهنگ غزنی می گوید چند عنوان کتاب دیگر نیز از سوی وزارت اطلاعات و فرهنگ در مورد غزنی به چاپ رسیده است. به گفته وی برخی از این کتاب ها به چهار زبان به شمول انگلیسی چاپ شده اند که برای گردشگران خارجی سهولت های زیادی را فراهم می کنند.

آقای شریفی می گوید: «فکر می‌کنم که در سطح افغانستان چنین کاری نشده است که یک اداره ولایتی با در دسترس نداشتن حتی یک افغانی، با کمک تاجران و فرهنگیان بتواند در یک سال به این مقدار کتاب را چاپ کند. خوشبختانه این دست آورد بزرگی است. ما از نظر فرهنگی خود را غنی می دانیم. امیدوارم این کارمان تقدیر شود.»

با این حال شماری از فرهنگیان و نویسندگان غزنی با آنکه از چاپ بیست عنوان کتاب در



ابراز خرسندی مقامات پاکستان و افغانستان از تصمیم فیفا در خصوص حجاب زنان

شماری از انجمن ها در پاکستان و افغانستان دوشنبه از صدور رای از خروج از خانه بدون حجاب اسلامی منع می کنند.»

مجاز رعایت حجاب اسلامی در فوتبال که به عقیده این جمعیت ها امکان حضور بیشتر زنان را در روی آوردن به این ورزش در کشورهای اسلامی فراهم می کند، ابراز خرسندی کردند.

فدراسیون بین المللی فوتبال این هفته رعایت حجاب اسلامی را در زمین های ورزشی برای زنان به درخواست کشورهای اسلامی و دستار را برای مردان سیک مجاز شمرد.

سعدیه شیخ دبیر کل جمعیت فوتبال زنان ایالت سند در جنوب پاکستان گفت: «این تصمیم بسیار خوبی برای زنان فوتبالیست در کشورهای اسلامی است.»

رخسانه رشید کاپیتان تیم فوتبال زنانه ضیا گفت: «این تصمیم به فوتبالیست های زن در مناطق دورافتاده امکان خواهد داد تا در بازی ها شرکت کنند زیرا والدین این زنان

آن زمان اجازه نداشتند بدون همراه برای تماشای بازی های زنان وارد ورزشگاه ها شوند.

پاکستان ۲۲ باشگاه فوتبال زنان دارد و حدود ۴۰۰ فوتبالیست زن در این کشور ۱۸۰ میلیون نفری که بیشتر به کریکت علاقه دارند نام نویسی کرده اند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه از پیشاور، تیم فوتبال زنان پاکستان قرار است ماه آینده به اردوی آمادگی برای دیدارهای دوستانه در برابر تیم ملی قطر، میزبان بازی های جام جهانی سال ۲۰۲۲ برود.

در افغانستان، فدراسیون فوتبال کشور از این تصمیم ابراز خرسندی کرد و اعلام کرد: «این تصمیم فیفا احترام به فرهنگ و دین دیگران را نشان می دهد.»

محمد یوسف کارگر از مقامات بلند پایه فدراسیون فوتبال افغانستان گفت: «اگر حجاب مجاز شمرده نمی شد، این مسئله مشکلی برای زنان افغان و بقیه کشورهای اسلامی بود.»

در زمان طالبان که از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ قدرت را در افغانستان در



پر و یز
مشر ف
رییس
جمهوری
پیشین
پاکستان
سال ۲۰۰۵
برابر تیم ملی قطر، میزبان بازی های جام جهانی سال ۲۰۲۲ برود.

در افغانستان، فدراسیون فوتبال کشور از این تصمیم ابراز خرسندی کرد و اعلام کرد: «این تصمیم فیفا احترام به فرهنگ و دین دیگران را نشان می دهد.»

محمد یوسف کارگر از مقامات بلند پایه فدراسیون فوتبال افغانستان گفت: «اگر حجاب مجاز شمرده نمی شد، این مسئله مشکلی برای زنان افغان و بقیه کشورهای اسلامی بود.»

در زمان طالبان که از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ قدرت را در افغانستان در

Mandegar

شماری از افراد ربوده شده در ننگرهار را شناساند

طراحان و مجریان روند انتقال به میز محاکمه کشانیده شوند!

عتیق الله ساکت

گفت که نهادهای اطلاعاتی هنوز درباره هویت این گروه اطلاعاتی در دست ندارد. با این حال، هنوز گروه طالبان درباره این آدم‌ربایی اظهار نظر نکرده است.

سخنگوی والی ننگرهار از رهایی پانزده نفر از اعضای یک گروه حدود چهل نفری غیرنظامیان که پنج روز پیش در منطقه مرزی «گوشته» این ولایت ربوده شده بودند، خبر

جهانیاں خاک می‌باشند و این فریاد را در محافل سیاسی کشورهای خارجی بلند می‌کنند که حالا نیروهای نظامی افغانستان به همه مردم جهان اطمینان می‌دهند که به‌تندی و بدون کمک نیروهای خارجی، قادر استند طالبان و القاعده را سرنگون و حملات ایشان را خنثا سازند. حال آن‌که این‌جا در میدان واقعی جنگ، به‌دور از تالارها و مهمان‌خانه‌های پُرزرق‌وبرق سفیران و نمایندگان سیاسی، واقعیت‌های نظامی دولت، هر روز در برابر طالبان قربانی می‌دهند و همین افراد مبتکر طرح ناکام روند انتقال، این حقایق را از چشم مطبوعات مردم ما و جهانیاں مخفی می‌سازند. در حالی که حتی یک کودک می‌داند، زمانی که

نیروهای نظامی پنجاه‌دو کشور در مقابل با القاعده و طالبان طی مدت سیزده سال مبارزه پی‌گیرانه کم می‌آورند، امکان ندارد یک ارتش نامنظم و ضعیف جای آن‌ها را بگیرد! آیا همین ارتش که در درون صفوفش حتی افراد مربوط به آن‌طرف سرحد زیر نام قبایل آزاد به عنوان سرباز جذب شده‌اند، قادر به حمل این مسوولیت بزرگ خواهد بود، در حالی که در میدان عمل، حادثه کتر به عنوان مشت نمونه خروار پاسخ این سوال است؟

آنکون وقت آن‌ها رسیده که طراحان و مجریان روند انتقال به پای میز محاکمه کشانیده شوند و از ایشان با جدیت توضیح بخواهند که با چه منطق و با چه محاسبه‌یی، طرح زود هنگام خروج نیروهای خارجی را در هم‌چو شرایط حساس مطرح نمودند، در حالی که خود شاهد هستند روزانه ده‌ها تن از نیروهای نظامی افغانستان، از فرط ضعف و... ادامه صفحه ۶

سرنجام، کشته شدن بیست‌ویک تن از سربازان نیروهای نظامی دولت افغانستان، از روی یک حقیقت نسبتاً غامض برده برداشت و رسوایی طرح ناکام روند انتقال را به تمام مردم و جهانیاں ثابت نمود. حالا دیگر هیچ جمله و کلمه جدیدی برای توجیه این نقیصه بزرگ وجود ندارد و کدام واژه و نزد یا هم ادبیات به‌خصوصی در نزد سخنگویان و نظریه‌پردازان این طرح (انتقال کامل مسوولیت‌های نظامی) باقی نمانده و مردم هم از شنیدن جملات تکراری و واژه‌های فرسوده‌یی که بالاتر از هزار بار به گوش‌شان خورده، خسته شده‌اند.



اکنون، مردم چهره‌های اصلی طرح روند انتقال و اغراض ایشان را از پس این حادثه به‌وضوح درک نموده‌اند و حادثه غازی‌آباد ولایت کتر، دقیقاً همان چیزی بود که آقای کرزی و مجریان طرح انتقال، خواستارش بودند. از این‌پس، تعریفی که مردم از طرح انتقال دارند، عبارت است از: «انتقال قدرت از نیروهای خارجی به طالبان و القاعده».

زیرا از همان آغاز این طرح، حتی یک کودک هم می‌دانست که به‌هیچ‌وجه یک برنامه سنجیده‌شده دولتی و ملی در مطابقت با واقعیت‌های موجود جامعه ما نیست، بلکه یک دسیسه آشکار به‌خاطر تقویت طالبان و تضعیف ارتش ملی می‌باشد. اساساً این توطیه خاینانه به‌وسیله استخبارات آی‌اس‌آی و افراد نفوذی ایشان در ارگ ریاست‌جمهوری - که در حال حاضر در مواقع گوناگون دولتی برای برآورده شدن اهداف و مقاصد به‌خصوص سیاسی فعالیت می‌کنند - به منصه اجرا گذاشته شد. مجریان این طرح برای تطبیق آن تا خروج نهایی سربازان بین‌المللی از افغانستان، همواره به چشم مردم و



سران قومی در گوشته گفته‌اند که به گونه رسمی پیامی از سوی ربا پنده گان در یافت نکرده‌اند، اما اطلاعاتی در دست دارند که بیشتر افراد مسلح از مردم خواسته بودند به پلیس محلی اجازه فعالیت در منطقه شان را ندهند.

آقای مومند گفته که ربوده شدگان به منطقه‌ای موسوم به «رینه و پرچاو» برده شده‌اند. این منطقه در نزدیکی مرز پاکستان موقعیت دارد.

درخواست از دولت بلال کریم یکی از سران قومی در گوشته از حکومت افغانستان خواست که برای آزادی این چهل نفر تلاش جلدی به خرج دهد.

احمدضیا عبدلزی، سخنگوی والی ننگرهار گفت که به مسوولان امنیتی دستور داده شده که همه تلاش‌های شان را برای آزادی افراد ربوده شده به کار بندند و یک جرگه قومی مسوولیت گرفته که در این مورد با ربایندگان گفتگو کند.

اما فریدون مومند می‌گوید که تا حال گفت‌وگوی مستقیم با ربایندگان صورت نگرفته و اعضای این جرگه قومی هم نزد شبه نظامیان نرفته‌اند.

گوشته منطقه‌یی مرزی است که در ماه ثور گذشته مرزبانان افغان و پاکستانی در آنجا با هم درگیر شدند و در این درگیری یک مرزبان افغان کشته شد.

این درگیری تنش‌های مرزی بین افغانستان و پاکستان را شدت بخشید و کشته شدن این مرزبان هم واکنش‌های زیادی را در داخل افغانستان در پی داشت.

داده است. احمد ضیا عبدلزی سخنگوی والی ننگرهار به بی‌بی‌سی گفت که احتمالاً ربایندگان هنوز هم بیست تا بیست و پنج نفر دیگر را در اختیار دارند. مقامهای محلی می‌گویند که هنوز از سرنوشت بقیه اعضای گروه اطلاعی در دست نیست.

به گفته این مقامها، افراد ربوده شده از ساکنان ولسوالی «گوشته» هستند که در منطقه «لعل‌پوری» از سوی افراد مسلح ربوده شدند.

هرچند منابع محلی می‌گویند که از محل نگهداری این افراد هم اطلاع دقیقی در دست نیست، اما ساکنان این منطقه گفته‌اند که یکی از افراد ربوده شده در همان روز نخست که ربوده شده بود، از سوی ربایندگان کشته شده است.

فریدون مومند عضو مجلس نمایندگان و از ساکنان ولسوالی گوشته می‌گوید که ربایندگان اعضای یک گروه شبه نظامی موسوم به «جنود خراسان» هستند که وابسته به گروه طالبان است.

به گفته او، جنود خراسان متشکل از طالبان افغان و پاکستانی است که از دو ماه پیش در ولایت‌های افغانستان فعالیت خود را آغاز کرده است.

احمدضیا عبدلزی سخنگوی والی ننگرهار

روزنامه ماندگار برای سال آینده خورشیدی مشترک می‌پذیرد

سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی	دفتتر خارجی	فارسیده به منزل یا دفتتر	سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی
شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی	سه ماهه - ۱۰۰ دالر	سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی	شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی	شش ماهه - ۲۰۰ دالر	شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی	نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی
یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی	نه ماهه - ۳۰۰ دالر	نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی	یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی
	یک ساله - ۴۰۰ دالر	یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی	

حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Bank: 1001201077988 Mandegar daily Bank Account in Maiwand-

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: ۰۷۸۴۳۰۱۶۴۰ - ۰۷۷۶۹۳۰۵۶۵